

گستره آراء مشهوره از منظر فارابی و ابن سینا

Amirkhani@alzahra.ac.ir

poorsaleh68@gmail.com

مهناز امیرخانی / استادیار گروه فلسفه دانشگاه الزهراء

سیده ملیحه پور صالح امیری / کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه الزهراء

پذیرش: ۹۷/۵/۲۵

دریافت: ۹۷/۱/۳۱

چکیده

این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی درصدد تعیین گستره مشهورات و دامنه عملکرد آن از دیدگاه فارابی و ابن سینا به عنوان فیلسوفان بزرگ اسلامی است. فارابی و ابن سینا هر دو به گستره وسیع مشهورات در سه صنف و به اقسام کمی مشهورات پرداخته‌اند. تنها تفاوت آنها این است که ابن سینا اسم‌های جدیدی برای اقسام مشهورات جعل کرده است. در مبحث تداخل، ابن سینا برخلاف فارابی - که تنها به تداخل مشهورات با یقینات پرداخته است - به تداخل آنها با سایر مواد اقبیسه اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد ابن سینا مانند یک شارح نوآور، به شرح و بسط دیدگاه فارابی پرداخته است و به‌طور ضمنی به گستردگی حوزه عملکرد و تأثیرگذاری مشهورات در تمام جنبه‌های علمی و زندگی اجتماعی اشاره می‌کند. سرانجام، دیدگاه این دو فیلسوف در مورد غایت نهایی مشهورات و صنعت جدل، در راستای وصول به اهدافشان یعنی فلسفه، رسیدن به معرفت خداوند بزرگ و مرتبه شهود و حق‌الیقین است.

کلیدواژه‌ها: گستره وسیع مشهورات، اقسام کمی مشهورات، تداخل مشهورات، گستردگی حوزه عملکرد مشهورات، حق‌الیقین.

مقدمه

داده است (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۱، ص ۴۵۷-۴۵۶) و مشهورات را در قسم نوع ظنی رأی جای داده (همان، ص ۴۶۴) و از میان اقسام ظن، ظنی را که دارای صفت حسن باشد، برای مشهورات برگزیده است (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۲، ص ۳۹۲) و در بیان ویژگی‌های آن در کنار تقسیم‌بندی کمی از آن، به صفت گستردگی و انتشار آن میان عموم مردم و همچنین به عامل برانگیزاننده بودن آن برای انسان به سوی انجام فعل اشاره کرده است (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۱، ص ۱۹ و ۱۲۴)؛ لذا با این بیان، وی درصدد تحلیل مفهومی آرای مشهوره برآمده است. علاوه بر این قسم از تعریف، می‌توان از ویژگی برانگیزانندگی به سوی انجام فعل، که نشان‌دهنده کارکرد این آرا میان مردم است، به تعریف رسمی بیانگر کارکرد رسید.

ابن سینا نیز رأی را برای مفهوم «کالجس» برگزیده است (ابن سینا، ۱۴۰۴ق - الف، ج ۲، ص ۳۷؛ همو، ۱۳۲۶، ص ۵۸؛ همو، ۲۰۰۷، ص ۱۲۸ و ۶۳؛ همو، ۱۳۸۳ق - الف، ص ۲۲۰) و رأی را به مقدمه ای محمود و کلی در اینکه چیزی برقرار است یا برقرار نیست، موجود است یا موجود نیست و صواب است یا صواب نیست، تعریف کرده است (ابن سینا، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸ و ۱۰۹) و همچون *فارابی* از میان انواع رأی، رأی ظنی را که طرف مقابل آن تنها با دقت نظر مشخص می‌شود و انسان بدون فکر و نظر به این نوع از سؤالات پاسخ‌دهنده است (ابن سینا، ۱۳۲۶، ص ۵۸؛ همو، ۱۳۸۸، ص ۴۳)، متعلق مشهورات محسوب می‌کند و از جمله ویژگی‌های آن را تعلق به حوزه عمل افراد، وجوب تصدیقی آرای مشهوره بر اساس شهرت (وجوب باب جدل، و نه وجوب باب برهان) و رسوخ متعارف در اذهان می‌شمرد. همچنین شهرت و تسلیم را از حالات نفسی و ذاتی مشهورات و صنعت جدل اعتبار می‌کند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق - الف، ج ۲، ص ۳۷؛ همو، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸؛ همو، ۱۳۲۶، ص ۵۸؛ همو، ۲۰۰۵، ص ۹۶؛ همو، ۱۴۰۴ق - ب، ص ۴). با این بیانات، تعریفی بر اساس شرح‌الاسم و تحلیل مفهومی از *ابن سینا* برداشت می‌شود. ویژگی‌های *فارابی* و *ابن سینا*، هر دو ناظر به مقام عمل و نقش آن در اجتماع است. *ابن سینا* در *اشارات* به تعریف دیگری از مشهورات می‌پردازد و این تعریف را در قالب طرحی موسوم به طرح فطرت عقل بیان می‌کند. در این طرح، انسان از تمام آموختنی‌ها و اکتسابات، استقرائیات و آنچه از طبیعت انسانی او - اعم از خلیقات و

مشهورات براساس تقسیم‌بندی میان علوم و صناعات، از لحاظ نقشی که در ایجاد وحدت و اتحاد میان جوامع ایفا می‌کنند (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۱، ص ۳۶۵-۳۶۴؛ همو، ۱۴۰۸ق - ب، ج ۱، ص ۴۲۱) و مردم را در جهت وصول به اهداف مدینه و همسو کردن آن با مدبر مدینه یاری می‌رسانند (پورصالح امیری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸)، دارای فضیلت و جایگاه مهمی هستند (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۴). این فضیلت، زمانی برای مشهورات تثبیت می‌شود که گستره و حیطه عملکرد و تأثیرگذاری آن در اجتماع معین شود. مسئله این است که مشهورات دارای چه گستره و دامنه تأثیرگذاری در اجتماع هستند؛ زیرا تا زمانی که حوزه عملکرد و تأثیرگذاری مشهورات مشخص نشود، نمی‌توان در جهت وصول به اهداف برنامه‌ریزی کرد و در صورت برنامه‌ریزی و صرف وقت، با شکست مواجه خواهد شد. شاید پژوهش در زمینه مشهورات در بردارنده ضمنی گستره مشهورات نیز باشد، لیکن بحث از این مسئله در نوشتاری مستقل به بررسی عمیق آن از زوایای مختلف منجر می‌شود.

پژوهش‌های پیشین انجام گرفته در حوزه مشهورات چنین است: رساله دکتری «نظریه آراء محمود و مبانی و پیامدهای آن در اندیشه ابن سینا» از فرزانه ذوالحسینی (۱۳۹۲)؛ در این رساله به جایگاه مشهورات در مبادی اقیسه و تداخل مشهورات با مبادی اقیسه پرداخته شده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تبیین مشهورات در منطق ابن سینا»، از سیده ملیحه پورصالح امیری (۱۳۹۳).

در پرتو پاسخ به این مسئله و نیز برای رعایت ترتب منطقی، ابتدا لازم است به چیستی مشهورات به عنوان مسئله فرعی و لازم آن، پرداخته شود. سپس به مسئله اصلی پژوهش حاضر تحت عنوان گستره (اصناف) مشهورات و صنعتی که عهده‌دار آن است (جدل) پرداخته می‌شود، آن‌گاه می‌توان مسئله پژوهش حاضر را تحت عنوان تداخل مشهورات با مواد اقیسه و اقسام و اسباب مشهورات نیز پی گرفت.

۱. چیستی مشهورات از دیدگاه *فارابی* و *ابن سینا*

فارابی در بیان تعریف مشهورات، رأی را به‌عنوان مفهوم «کالجس» آن آورده و آن را به «اعتقاد به موضوعی که یا چنین است یا چنین نیست؛ درحالی که امکان وقوع طرف مقابل در آن می‌رود»، تعریف کرده و یقین و ظن را به‌عنوان دو نوع تحت جنس واحد رأی قرار

یعنی موضوعات و مسائل و مبادی را دربرمی‌گیرد (ابن سینا، ۱۴۰۴ق - الف، ص ۱۹۲-۱۹۱). به عبارت دیگر، می‌توان گفت صنعت جدل، کانون پرداختن به مبادی و مسائل و موضوعات مختلف و محور متداخلات است. بنابراین، به موازات مشهورات و شمول آن در هر سه صنف نظری، عملی و منطقی، صنعت جدل نیز جمیع علوم نظری و عملی را تحت پوشش دارد و با مبادی، مسائل و موضوعات علوم نظری و عملی در تداخل است. شایان ذکر است که در میان گستره وسیع علوم تحت مشهورات و صناعت جدل، علم ریاضی علمی است که دورترین نسبت را با جدل دارد. این فاصله، ناشی از نقش مهم خیال در ارتسام حدود است؛ به این بیان که از ویژگی‌های علم ریاضی، عدم وقوع خطا در مقدمات و تألیف قیاسات و تمایز کامل حدود قضایا در ذهن است که این امر، حاصل یاری قوه خیال و حصول ارتسام آنها در ذهن است که نفس را از اشتباه مصون می‌دارد؛ اما در جدل و علوم دیگر، حدود و مقدمات قیاس به دلیل عدم یاری قوه خیال در ارتسام آنها در ذهن یا به گمراهی کشاندن انسان توسط خیال، امکان وجود خطا و اشتباه آنها وجود دارد (همان، ص ۱۱۶).

در راستای سخن از تداخل تمام اموری - اعم از نظری، عملی و منطقی - که با ماده صنعت جدل یعنی مشهورات تداخل دارد، شایان ذکر است که گفته شود هدف از صناعت جدل، تربیت کردن و آماده کردن ذهن انسان است برای اینکه کیفیت و چگونگی تحقیق و کاوش علمی را بیاموزد تا به وسیله آن، به ترتیب و نظم بخشیدن مقدمات و اقوابیل بپردازد تا به سرعت به حد وسط امور و مطلوب دست یابد و به وسیله این امور، ذهن او به وصول به صناعت فلسفه و خدمت به آن و رسیدن به حق و براهین یقینی نائل آید (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۱، ص ۳۷۲-۳۷۵؛ همو، ۱۹۸۶، ص ۲۰۸-۲۱۰؛ همو، ۱۹۹۱، ص ۴۷). *فارابی* صناعت جدل را دارای قابلیت و توانایی عظیمی در تثبیت و قانونی کردن آرای شریعت و سنت میان افراد مدینه و پیروز کردن آن در مقابل مغالطه‌کاران و گمراه‌کنندگان و دشمنان می‌داند (همان، ص ۴۸). *فارابی* برای تأیید سخن خود در باب جدل و کارکرد آن، سخن *ارسطو* و *سقراط* را نیز یادآور می‌شود و می‌گوید: *ارسطو* در جست‌وجوی علوم طبیعی و الهی و مدنی، اقوابیل و فحوص جدلی را پیشنهاد می‌دهد و جایز می‌شمرد (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۷۶). به عبارتی، صناعت جدل علوم طبیعی و الهی و مدنی را دربرمی‌گردد و به وسیله مقدمات مشهوره و

انفعالیات - برخاسته، به دور است. انسان در این طرح، با وجود قوه عقلانی و وهمی و حسی، قادر به حکم کردن در باب آرای مشهوره نخواهد بود (ابن سینا، ۱۳۸۳ق، الف، ج ۱، ص ۲۲۰). *ابن سینا* در این طرح با برشمردن علل مشهورات به شیوه سلبی به تعریف دیگری از مشهورات رسیده است که حد کامل نامیده می‌شود. عده‌ای کامل‌ترین تعریف (حد کامل) را آن می‌دانند که بیان‌کننده علت‌های شیء است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹).

۲. گستره مشهورات و صناعت جدل از نظرگاه *فارابی* و *ابن سینا*

فارابی اقوابیل و مقدمات مشهوره را در سه صنف نظری، عملی و منطقی جای می‌دهد. وی امور نظری را به قضایای کلی که برای انسان امکان تعقل تمام آنها وجود ندارد، امور عملی را به امور کلی که برای انسان امکان عمل کردن به آنها وجود دارد، و امور منطقی را به آلاتی که به وسیله آنها امور نظری و عملی دانسته می‌شود و انسان به وسیله آنها از اشتباه کردن در معقولات برحذر می‌ماند، تعریف کرده است (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۱، ص ۳۶۵). بنابراین از دیدگاه *فارابی*، مشهورات، تمام اموری - اعم از نظری، عملی و منطقی - را که برای انسان امکان فهم و تعقل و عمل به آن وجود دارد، دربرمی‌گیرد.

از دیدگاه *ابن سینا* نیز مقدمات و مسائل مشهورات، در سه صنف منطقی (که شامل امور نظری و عملی است)، اخلاقی (که دربرگیرنده علم اخلاق و فلسفه اخلاق است) و طبیعی تقسیم می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۴ق - ج، ص ۸۲). بنابراین، از دیدگاه *ابن سینا* نیز دامنه مشهورات بسیار وسیع است. به موازات دامنه وسیع مشهورات، می‌توان گفت صنعتی که مشهورات متعلق به آن است، یعنی جدل و مقدمات جدلی نیز دربردارنده علوم مختلف است و با موضوعات و مسائل علوم در تداخل است؛ چنان که خود *ابن سینا* نیز به این مورد اذعان می‌کند و می‌گوید صنعت جدل از حیث مبادی، با علوم مختلف مشارکت دارد؛ مانند هر اولی مشهور است؛ زیرا اولیات، از مبادی مشترک میان علوم محسوب می‌شوند. علاوه بر آن، با مسائل مندرج تحت آن علوم و با موضوعات مختلف آن در تعامل است. به عبارتی می‌توان گفت هر علمی به یک وجه از وجوه سه‌گانه موضوعات، مسائل و مبادی اختصاص دارد؛ اما جدل، محدود به یک وجه از این وجوه سه‌گانه نیست و تمام وجوهات امور،

اقیسه می‌رسد. *فارابی* مقدمات یقینی کلی اول را از اقسام مشهورات محسوب می‌کند و می‌گوید این قضایا از جهت شهرتشان، داخل در حوزه مشهورات می‌شوند و صدق یقینی در اینجا بالعرض بر آنها صدق می‌کند (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۱، ص ۴۲۲).

ابن سینا نیز مانند *فارابی* به تداخل اولیات با مشهورات اذعان دارد و می‌گوید: هر اولی مشهور است؛ اما هر مشهوری اولی نیست. به عبارتی، ماده صنعت جدل، اعم از ماده برهانی است. *خواجۀ طوسی* نیز در *شرح الاشارات* به تبع شیخ، برای واجبات القبول دو اعتبار قائل است و اولیات را به اعتبار شهرت، در زمره مشهورات قرار می‌دهد. این در حالی است که او قائل به انقسام طبیعی اقسام صناعات است و به نظر او، مواد اقیسه تباین بالذات دارند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق - د، ص ۴۵۳؛ همو، ۱۴۰۴ق - ب، ص ۵۵۵ و ۱۹۱۶؛ همو، ۱۴۰۴ق - ج، ص ۳۳۲ و ۱۰؛ همو، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹). در واقع، قضایای اولی حکم سکه دورو دارند: یک روی آن برحسب حق بودن، صادق است و در برهان به کار می‌رود؛ روی دیگر آن برحسب شهرت، در جدل کاربرد دارد.

مواد دیگر قیاس‌ها در تداخل با مشهورات، محسوسات و برخی از مجربات هستند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق - ب، ص ۵۵؛ همو، ۲۰۰۵، ص ۹۸؛ همو، ۱۹۷۴، ص ۱۲۰؛ همو، ۱۳۸۳الف، ج ۱، ص ۲۲۰). متواترات نیز در زمره مشهورات محسوب می‌شوند (ابن سینا، ۱۹۷۴، ص ۱۲۰؛ همو، ۱۳۸۳الف، ج ۱، ص ۲۲۰). شرط متواترات و مشهورات، و به عبارتی ملاک آنها - که هر دو در مفهومشان وابسته به جمع کثیر هستند - به شک با دو اعتبار مختلف بشرط لا و بشرط شیء برمی‌گردد؛ به این بیان که ملاک تواتر، عدم جواز ورود شک است. در واقع در متواترات، تواتر چنان بر اذهان غالب می‌شود که در تیقنشان جای شبهه‌ای نمی‌ماند؛ و ملاک مشهورات در طرح فطرت - که پیش‌تر گفته شده است - در امکان تجویز تشکیک است. در واقع بعد از گذراندن فرایند سلب معارف و آموختنی‌ها و آنچه از لوازم عقل عملی است، امکان شک در آرای مشهوره و نه در اولیات، جاری می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۴ق - ب، ص ۶۵؛ ابن سینا، ۱۳۸۸، ص ۴۳). شک در متواترات، بشرط لا و در مشهورات بشرط شیء اعتبار می‌شود.

ابن سینا مقبولات را از حیث میزان جزم، با ذایعات برابر می‌داند؛ و مقبولات را از حیث اینکه امکان طرف مقابلشان در نفس خلجان نمی‌کند و از جهت پذیرش میان اذهان، تحت تداخل با مشهورات قرار می‌دهد (ابن سینا، ۲۰۰۵، ص ۹۸؛ همو، ۱۳۸۸، ص ۴۷).

اثبات و نفی مقدمات آن در قالب برهین جدلی، درصدد اصلاح آرا و اعطای قضایای ظنی قوی در علوم طبیعی و الهی و اجتماعی برمی‌آید (فارابی، ۱۹۹۶الف، ص ۳۹). *فلاطون* نیز در کتاب *برمنیدس* از قول برمنیدس حکایت می‌کند که نفس را به جدل و اقوییل جدلی عادت و پرورش ده (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۱، ص ۳۷۶). با توجه به این توضیحات، مشخص می‌شود که فایده صنعت جدل در مدینه و اجتماعات، در تصحیح و تثبیت دین میان مردم و غلبه دلن آن در مقابل گمراه‌کنندگان و دشمنان بروز می‌کند تا در نهایت به صنعت فلسفه (فارابی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۴) و خدمت به آن واصل شود. غایت فلسفه نیز معرفت به خالق تعالی است و اینکه او واحدی است غیرمتحرک و علتی فاعلی است برای تمامی اشیاء، و بر این عالم، آثار جود و حکمت و عدل او مترتب است؛ و غایت اعمالی که فیلسوف (همان، ص ۱۸۲-۱۸۴) انجام می‌دهد نیز تشبه به خالق تعالی است، به مقدار طاقت انسانی (فارابی، ۱۸۹۸، ص ۵۳).

ابن سینا هدف از صنعت جدل را تمرین در اثبات و نفی مقدمات مشهوره می‌داند که در اثر این تمرین‌ها و نفی و اثبات‌ها، ذهن پرورش یابد و آماده شود تا به تدریج به صنعت برهان نزدیک شود. این روش به نفع مدینه نیز می‌باشد؛ زیرا جمهور مردم بالطبع از پذیرفتن علوم برهانی تانفر و از موضوعات مبتنی بر این برهین، وحشت دارد و تصدیق در درجه یقینی، برای ایشان بسیار دشوار است؛ لذا با تألیف قیاسات، از مقدماتی که قابل پذیرش و تسلیم و ستایش هستند، استقبال می‌کنند و اقتناع می‌شوند. به این ترتیب، به تدریج به تصدیق یقینی و برهینی که حقیقت نفسی دارند نزدیک می‌شوند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق - ب، ص ۱۶۶؛ همو، ۱۴۰۴ق - ج، ص ۱۳-۱۴). لازم به توضیح است که *ابن سینا* مقدمات برهانی یقینی را مبدأ فلسفه می‌داند و غایت آن را وصول به حق‌الیقین به قدر توان انسان در نظر می‌گیرد (ابن سینا، ۱۴۰۴ق - ب، ص ۱۶۶). بنابراین از دیدگاه *ابن سینا*، هدف از صنعت جدل، وصول به برهان یقینی می‌باشد که مبدأ فلسفه است و سرانجام غایت نهایی آن، با فلسفه و غایت آن، یعنی وصول به حق‌الیقین - که عبارت از شهود حق است - (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۴۶) به قدر طاقت بشری گره می‌خورد.

۳. تداخل مشهورات با مواد اقیسه

پس از توضیحات در باب تداخل جدل و مشهورات با علوم دیگر در مبادی، مسائل و موضوعات، نوبت به تداخل مشهورات با مبادی

قضایا عارض می‌شود و به این اعتبار، جزء مشهورات می‌شود. شهرت در این قضایا و آراء برخلاف مشهورات حقیقی و آرای محموده - که تشخیص آنها تنها منوط به شهرت است (ابن سینا، ۱۳۸۳ الف، ج ۱، ص ۲۲۰) - از عوارض بیرونی محسوب می‌شود و تنها برحسب این عارض خارجی، عنوان مشهوره بر آنها صدق می‌کند و در خانواده مشهورات قرار می‌گیرند.

۴. اقسام مشهورات

پس از پرداختن به گستره و دامنه مشهورات و تداخل آن با سایر مواد اقیسه، نوبت به بیان تقسیم‌بندی‌های مشهورات می‌رسد که می‌تواند نشانگر گستره مشهورات باشد. *فارابی* مشهورات را از نظر کمی به مشهورات نزد جمیع مردم، مشهورات نزد عقلای جامعه، مشهورات نزد عالمان مدینه و مشهورات نزد فلاسفه - که جمهور در آن مخالفتی ندارد - تقسیم می‌کند (فارابی، ۱۴۰۸ الف، ج ۱، ص ۴۱۰، ۱۲۴، ۱۹)؛ سپس مشهورات را به مشهورات نزد شریف‌ترین شرافتمندان و زیرک‌ترین زیرکان، بدون مخالفتی نزد خودشان یا نزد دیگران تقسیم می‌کند؛ سپس آرای مشهوره را نزد صناعات مختلف و نزد حادثان میان صناعات نیز منقسم می‌سازد (همان، ص ۴۱۱، همو، ۱۹۸۶، ص ۱۳۴). *فارابی* شریف‌ترین مشهورات را مشهورات نزد جمیع مردم و نزد اکثریت می‌داند. دلیل این سخن *فارابی* را می‌توان در بیان *ابن سینا* مبنی بر اینکه «مشهورات محدود در قیاسات جدلی، مطلقه نیستند؛ زیرا در مشهورات غیرمطلقه، شک یا موضع خلافی از جانب عموم مردم وجود دارد که از پذیرش آن ابا می‌شود» (ابن سینا، ۱۴۰۴ الف، ج ۱، ص ۳۲ و ۷۲)، جست‌وجو کرد. به ازای این تقسیم‌بندی *فارابی*، می‌توان قلمرو مشهورات را نیز نزد جمهور مردم، اکثریت آنها، نزد عالمان و عاقلان آنها و نزد فلاسفه و نزد زیرک‌ترین زیرکان و نزد صناعات مختلف و نزد حادثان میان صناعات گسترش داد. *فارابی* علاوه بر این تقسیم‌بندی، قضایای شبیه به مشهورات را - که اعم از تماثل و تضاد با سایر اقسام مشهورات است - نیز از اقسام مشهورات لحاظ می‌کند (فارابی، ۱۴۰۸ الف، ج ۱، ص ۴۱۱)؛ از این‌رو، می‌توان گستره مشهورات را به قضایای شبیه به مشهورات نیز وسعت داد.

شیوه دیگری که می‌توان بر اساس آن، گستره مشهورات را جست‌وجو کرد، عوامل شکل‌گیری مشهورات است. *فارابی* در آثار

وهمیات نیز در زمره مشهورات و تحت تداخل با آن قرار می‌گیرند؛ زیرا وهمیات بر محسوسات که بین تمامی مردم در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مشترک‌اند، مبتنی می‌باشند؛ لذا احکام وهمیات، میان عامه مردم مورد پذیرش قرار می‌گیرد (ابن سینا، ۱۴۰۰ الف، ص ۱۰۹؛ همو، ۲۰۰۵، ص ۹۸؛ همو، ۱۹۷۴، ص ۱۲۰). لازم به توضیح است، همان‌طور که وهمیات بر محسوسات ابتدا دارند و گاهی صادق‌اند، کذب آنها نیز به محسوسات برمی‌گردد؛ و آنچه وهمیات را کاذب می‌کند، آن را از حوزه ذایعات خارج می‌گرداند (ابن سینا، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹). البته اگر دیانات حقیقی و علوم حکمی با وهمیات در تقابل باشند، دیانات بر مشهوره بودن آنها خلل وارد خواهند کرد (ابن سینا، ۱۳۸۳ الف، ج ۱، ص ۲۲۰). شیخ به کرات به شدت اذعان نفس نسبت به وهمیات در مقایسه با مشهورات اشاره کرده و آن را از مشهورات قوی‌تر دانسته است. وی در *مختصر الاوسط* قوه حکم‌کننده به وهمیات را عقل عامه عملی معرفی کرده است (ابن سینا، ۱۴۰۴ الف، ج ۱، ص ۶۷؛ همو، ۲۰۰۵، ص ۹۸؛ همو، ۱۳۸۳ الف، ج ۱، ص ۲۲۰). تمامی قضایایی که عنوان تصدیق بر آنها صدق می‌کند، متخیل هستند؛ اما عکس آن صادق نیست؛ یعنی موضع تخیل در قبال تصدیق، لاشرط است. همچنین وی در *دانشنامه علایی* تصریح می‌کند که حق و مشهور، مخیل هستند (ابن سینا، ۱۴۰۴ الف، ج ۱، ص ۶۵؛ همو، ۱۹۷۴، ص ۱۲۰-۱۲۶؛ همو، ۱۳۸۳ الف، ج ۱، ص ۱۲۷-۱۲۸). وجه اشتراک تصدیقات و مخیلات، که سبب تداخل میان آنها می‌شود، غایتی است که منجر به انجام یا ترک عمل می‌شود. در واقع، مخیلات با ایجاد حالت انقباضی و انبساطی در نفس؛ انسان را تحریک به انجام یا نهی عملی خواهند کرد؛ هرچند که منجر به وقوع تصدیق در باب انجام یا نهی امری نشوند، اما مانند تصدیق و اذعان به امری، در به انجام رسیدن یا نرسیدن کاری نقش خود را ایفا می‌کنند.

در بیان کلی، می‌توان گفت تمام قضایا و آرای که در تداخل با مشهورات قرار می‌گیرند و در زمره مشهورات محسوب می‌شوند، دو وجهی‌اند. در وجه اصلی خود، دارای هویت مختص به خود نسبت به سایر قضایا، و به نحو ذاتی، متعلق به صنعت خاص خود هستند. به عبارتی، هریک دارای هویتی مجزا از دیگری هستند و کارکرد و نقش متمایز از دیگری دارند؛ اما از حیث شهرت، وارد حوزه مشهورات می‌شود. در واقع، شهرت به عنوان عارضه‌ای خارجی، بر

خود تصریحی در باب عوامل مشهورات نکرده است؛ اما از تأمل در اقسام و آثار مشهورات و اصناف علم مدنی وی، می‌توان به عوامل شکل‌گیری مشهورات دست یافت؛ مانند قانون و شریعت (فارابی، ۱۴۰۸ق - الف، ج ۲، ص ۱۱)، انفعالات نفسانی و تخیلات (فارابی، ۱۹۶۷، ص ۱۱۸۱) و اخلاق و عادات طبیعی مردم (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۷۴). از آنجاکه می‌توان به‌ازای هر عاملی از مشهورات، قسم متناسب به آن عامل را لحاظ کرد و بالعکس (برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: امیرخانی و پورصالح امیری، ۱۳۹۴)، می‌توان اقسام مختلف مشهورات، از قسم‌های قانونی، انفعالی، تخیلی، اخلاقی و عاداتی به‌تبع عوامل آن داشت و می‌توان به‌ازای اقسام یادشده، گستره مشهورات را نیز در قسم‌های قانونی، انفعالی، تخیلی، اخلاقی و عاداتی جاری دانست و گسترش داد.

ابن‌سینا نیز در آثار خود، به تقسیم‌بندی کمی مشهورات می‌پردازد و مشهورات را به مطلق و مضاف منقسم می‌کند. او مشهورات مطلق را آرائی لحاظ می‌کند که به دلیل کثرت شهادتات و اجماع ادیان و مذهب و طول مدت تربیت، نزد همگان پذیرفته شده‌اند. مشهورات اضافی، آرائی هستند که حکم جمهور بر آنها غالب نیست؛ بلکه هر صنعت عملی و نظری، مشهوراتی مختص به خود را دارند که میان صاحبان آن صنعت، مشهوره محسوب می‌شود؛ مثل مشهور نزد پزشکان، که غیر از مشهور نزد منجمان است (*ابن‌سینا*، ۲۰۰۵، ص ۹۹۶). *ابن‌سینا* همین تقسیم‌بندی را در مبادی براهین انجام می‌دهد و ماده برهان را بر سبیل ضرورت حقیقی و تسلیم ظنی تقسیم می‌کند؛ سپس تسلیم را به تسلیم صواب و غلط، و تسلیم صواب را به دو دسته تسلیم اشتراکی و تسلیم منوط به شخص واحد منقسم می‌سازد؛ آن‌گاه تسلیم اشتراکی را به رایی که مستند به طائفه‌ای است و رایی که منوط به طایفه و گروه خاصی نیست و عموم مردم آن را قبول دارند، تقسیم می‌کند؛ و مشهورات نوع دوم را مشهورات مطلقه و مشهورات مستند به طایفه را برحسب دین و مذهب یا به‌حسب صناعات مختلف، مشهورات محدود نام می‌نهد (*ابن‌سینا*، ۱۴۰۴ق - ب، ص ۶۵). *ابن‌سینا* در *الشفاء* نیز مقدمات مشهوره یا مسلمه را به سه قسمت تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: مقدمه پذیرفته‌شده منوط به شخص واحد؛ مقدمه پذیرفته‌شده نزد جمهور هر صنعتی؛ و مقدمه پذیرفته‌شده نزد

جمهور مردم. وی دومین قسم را مشهور مقید و سومین قسم را مشهور مطلق نام می‌نهد. قسم اول نیز مقبولات نام دارد (*ابن‌سینا*، ۱۴۰۴ق - ج، ص ۱۱). وی مشهورات محدود را به آنچه نزد فلاسفه و علما مشهور محمود است، مانند: «زیبایی برتر از لذت است»، آنچه نزد اکثر علما مشهور محمود است، مانند: «سما کروی است»، و آنچه مشهور محمود بین اصحاب فاضل حکماست (همان ص ۳۲ و ۷۲) تقسیم می‌کند. *ابن‌سینا* در *النجاة* نیز از مشهورات مطلقه یاد می‌کند و از آن به مشهورات یا شهادتات کل تعبیر می‌کند که جمهور آن را می‌پذیرند و مشهورات را به مشهورات نزد اکثر مردم، علما، یا اکثر علما و افاضل ایشان مستند می‌سازد؛ با این قید که جمهور مردم با آن مخالفتی ندارند (*ابن‌سینا*، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸). *ابن‌سینا* در سایر آثار خود نیز از مشهورات مطلقه و محدوده متعلق به صنعت و طبقه خاصی یاد کرده، اما تصریحی به نام آنها نکرده است (*ابن‌سینا*، ۱۹۷۴، ص ۱۱۶-۱۱۹؛ همو، ۱۹۸۰، ص ۲۶؛ فخررازی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۳۶).

ابن‌سینا در حوزه مشهورات، اقدام به جعل اسم‌های دیگری نیز می‌کند. وی در رساله «الموجزة فی المنطق»، از مشهورات ذاتی و عرضی یاد می‌کند و مشهوره ذاتی را مشهوراتی تعریف می‌کند که از طریق اسباب و عوامل مشهورات شناخته می‌شوند؛ مانند آنچه که حاصل توافق و اجماع ارباب ملل و مذاهب و ادیان است و نیز احکام حاصل از استقرای کثیر، احکام برآمده از خلیقات انسانی و انفعالات نفسانی، و سنن کهن نسخ‌نشده (*ابن‌سینا*، ۱۴۰۴ق - ج، ص ۳۹؛ همو، ۲۰۰۵، ص ۹۶؛ همو، ۱۴۰۰ق، ص ۱۱۹؛ همو، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۲۲۱) و مشهوره عرضی را مشهورات اعم از عامه لحاظ می‌کند که از طریق مقاربت، اعم از تشابه و تضاد، شکل می‌گیرند. *ابن‌سینا* در اثر یادشده، ذایعه نفسی و ذایعه بالمقاربه را که بر سبیل تضاد و تشابه است نیز برای مشهورات جعل می‌کند که عنوان دیگری برای مشهوره ذاتی و مشهوره عرضی است (*ابن‌سینا*، ۱۴۰۰ق، ص ۴۶-۴۷؛ همو، ۱۴۰۴ق - ج، ص ۸۱). بنابراین، مشهورات مطلقه به مشهورات ذاتی و نفسی، و مشهورات اضافی به مشهورات مقید و محدود و عرضی و بالمقاربه و بالتقرینه در الجدل تسمیه می‌یابند. با توجه به این تقسیم‌بندی از دیدگاه *ابن‌سینا* - که به تقسیم‌بندی *فارابی*، اما با جعل اسم‌های بیشتری شباهت دارد - گستره مشهورات نزد جمهور مردم و نزد اهل هر ملت و صنعتی گسترده می‌شود.

نتیجه‌گیری

فارابی و ابن سینا، هر دو گستره مشهورات و صنعت جدل را شامل تمام علمی که امکان شناخت آن توسط انسان وجود دارد و تمام کارهایی که انسان قادر به انجام دادن آنهاست، می‌دانند. در مبحث تداخل مشهورات با مواد اقیسه، فارابی تنها به تداخل مشهورات با مقدمات یقینی کلی اول تصریح کرده است؛ اما ابن سینا به تداخل مشهورات با سایر مواد اقیسه، مانند محسوسات، مجربات، متواترات، مقبولات، وهمیات و مخیلات پرداخته و به تداخل صنعت جدل با مبادی مسائل و موضوعات سایر علوم اشاره داشته است؛ و در بخش اقسام مشهورات نیز میان فارابی و ابن سینا در تقسیم‌بندی کمی مطلق و مقید، تفاوتی وجود ندارد؛ جز اینکه ابن سینا به جعل اسم‌های دیگری برای این دو قسم پرداخته است. در مجموع به نظر می‌رسد فارابی با جای دادن مشهورات در سه صنف نظری، عملی و منطقی، زیربنای گستره مشهورات را بسیار گسترده تعیین کرده است و ابن سینا نیز مانند فارابی گستره مشهورات را با وسعت بسیار زیادی در سه صنف منطقی و اخلاقی و طبیعی در نظر گرفته و مانند یک شارح نوآور، به شرح و بسط دیدگاه فارابی پرداخته است و در مبحث متداخلات و اقسام مشهورات و صنعت جدل، به گستردگی، و به تبع آن به‌طور ضمنی به حیطة عملکرد مشهورات و جدل در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی اشاره کرده است؛ که در راستای آن، مدیرین مدینه‌ها می‌توانند در تمام ابعاد علمی و عملی (زندگی اجتماعی) انسان‌ها با برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت با وضع کردن مشهورات جدید و تغییر مشهورات جامعه و با یاری صنعت عامه جدل، به مطلوب خود نائل آیند و مدینه را در جهت وصول به اهداف خیر با خود همراه کنند. سرانجام، هر دو فیلسوف نهایت غایت صنعت جدل را در راستای غایت فلسفه، وصول به مرتبه حق‌الیقین و معرفت خداوند تبارک و تعالی دانسته‌اند.

منابع.....

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۲۶، *تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات*، چ دوم، قاهره، دارالعرب.
- _____، ۱۳۷۹، *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات*، مقدمه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- _____، ۱۳۸۳ الف، *الاشارات و التبیہات*، قم، البلاغه.
- _____، ۱۳۸۳ ب، *دانش‌نامه علایی (منطق)*، مقدمه و حواشی و تصحیح محمد معین و سیدمحمد مشکوة، چ دوم، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- _____، ۱۳۸۸، *المنطق الموجز*، تصحیح و تحلیل هشت رساله منطقی ابن سینا، زینب برخورداری، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تهران.
- _____، ۱۴۰۰ ق، *النجاة و عیون الحکمة*، تصحیح عبدالرحمن بدوی، قم، بیدار.
- _____، ۱۴۰۴ اق - الف، *الشفاء (طبیعیات)*، تحقیق سعید زائد، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- _____، ۱۴۰۴ ا ب، *الشفاء (برهان)*، تحقیق سعید زائد، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- _____، ۱۴۰۴ ا ج، *الشفاء (جدل)*، تحقیق سعید زائد، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- _____، ۱۴۰۴ ا د، *الشفاء (قیاس)*، تحقیق سعید زائد، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- _____، ۱۹۵۰، *کتاب المجموع او الحکمة العروضية فی معانی کتاب ریطور یقا*، تحقیق و شرح محمدسلیم سالم، قاهره، مکتبه النهضة المصرية.
- _____، ۱۹۷۴، *الهدایة*، تحقیق و تقدیم محمد عبده، چ دوم، قاهره، جامعه قاهره.
- _____، ۱۹۸۰، *عیون الحکمة*، مقدمه و تحقیق عبدالرحمن بدوی، چ دوم، بیروت، دارالقلم.
- _____، ۲۰۰۵، *رساله فی ما تقرر عنده من الحکومة*، در: *مبحث عن القوی النفسانية او کتاب فی النفس علی سنة الاختصار*، تقدیم و ترجمه و تحقیق ادورد کرنیلیوس فندیک، بیروت، داربیلیون.
- _____، ۲۰۰۷، *رساله احوال نفس*، مقدمه و تحقیق فواد الاهوانی، پاریس، دار بیلیون.
- امیرخانی، مهناز و سیده‌ملیحه پورصالح امیری، ۱۳۹۴، «بررسی مقایسه‌ای عوامل مشهورات از دیدگاه فارابی و ابن سینا»، *هستی و شناخت*، سال دوم، ش ۲، ص ۹۸-۷۹.
- پورصالح امیری، سیده ملیحه، ۱۳۹۳، *تبیین مشهورات در منطق ابن سینا*،

- پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء.
- ذوالحسنى، فرزانه، ۱۳۹۲، *نظریه آراء محموده و مبانی و پیامدهای آن در اندیشه ابن سینا*، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- سجادی، سیدجعفر، ۱۳۷۳، *فرهنگ معارف اسلامی*، چ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- فارابی، ابونصر، ۱۹۹۶ الف، *احصاء العلوم*، مقدمه و شرح علی ملحم، بیروت، مکتبه الهلال.
- _____، ۱۴۰۴ ق، *الانفاظ المستعمله فی المنطق*، تحقیق، مقدمه و تعلیق محسن مهدی، چ دوم، تهران، الزهرا.
- _____، ۱۴۰۸ ق - الف، *المنطقیات*، تحقیق و مقدمه محمدتقی دانش پژوه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- _____، ۱۴۰۸ ق - ب، *النصوص المنطقیه*، تحقیق و تقدیم محمدتقی دانش پژوه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- _____، ۱۴۱۳ ق، *الاعمال الفلسفیه*، مقدمه، تحقیق و تعلیق جعفر آل یاسین، بیروت، دار المناهل.
- _____، ۱۸۹۸، *الثمرة المرضیه فی بعض الرسائل الفارابیه*، تصحیح فرید رخ دیتربصی، لیدن، بی نا.
- _____، ۱۹۶۷، *موسیقی الکبیر*، تحقیق و شرح غطاس عبدالملک خشبه، مراجعه و تصدیر محمود احمد الحضنی، قاهره، دار الکاتب العربی للطباعه.
- _____، ۱۹۸۶، *کتاب الحروف*، مقدمه، تحقیق و تعلیق محسن مهدی، بیروت، دارالمشرق.
- _____، ۱۹۹۱، *کتاب الملة و نصوص اخری*، مقدمه، تحقیق و تعلیق محسن مهدی، چ سوم، بیروت، دارالمشرق.
- _____، ۱۹۹۶ ب، *السیاسة المدنیة*، مقدمه و شرح علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال.
- فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۰۰ ق، *شرح عیون الحکمة*، تحقیق احمد حجازی احمد السقا، قاهره، مکتبه الانجلوالمصریة.
- فرامرزی قراملکی، احد، ۱۳۸۷، *روش شناسی مطالعات دینی*، چ سوم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.